

حقوق عمومی خارجیان در قوانین جمهوری اسلامی ایران

زهرا صفوی نژاد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۰۷/۱۵

چکیده

در مقاله حاضر که حقوق عمومی بیگانگان را در حقوق موضوعه ایران مطالعه می کنیم، اولاً با مفهوم وضعیت حقوقی و قواعد حل تعارض آن در بخش کلیات می پردازیم و سپس انواع حقوق بیگانگان و تحولات تاریخی وضعیت حقوقی بیگانگان و عوامل موثر در پیدایش حقوق مذکور و قبض و بسط آن در طول تاریخ و منابع حقوق بیگانگان در گذرگاه تاریخ و عقاید علما حقوق همچنین تمیز بیگانگان از اتباع داخلی را مورد مذاقه قرار می دهیم و در بخش دوم وضعیت حقوق عمومی اشخاص حقیقی بیگانه از دو جنبه یکی به لحاظ حق تمتع آنها به جهت شخصیت انسانی و دیگری از جهت وابستگی به سازمانهای حقوق عمومی؛ اشتغال، معافیت از تحصیل پروانه کار؛ حمایت از جان و مال؛ ورود و خروج؛ آزادی مذهب و تعلیمات عمومی بررسی گردیده است. سپس طبابت و اشتغال بکار پزشکان خارجی و اشتغال به تجارت خارجی و کارگزاری بورس و در آخر مالکیت سهام موسسات ایران و محدودیت بیگانگان در تملک سهام بانکها را شناسایی می کنیم، ثانیاً با ملاحظه اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه اسلامی حقوق بشر و قوانین موضوعه، اهم حقوق طبیعی بیگانگان بررسی می شود.

واژگان کلیدی

تابعیت، بیگانه، آزادی مذهب، اشتغال بیگانگان، کارگزاری بورس

^۱ کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

مقدمه

در روزگاران قدیم که ارتباط بین افراد بشر در سطح بسیار ابتدائی و محدود به منطقه خاصی بوده و افراد اتباع کشورهای مختلف بندرت با یکدیگر ارتباط داشته اند و مبادلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گسترش چندانی نیافته بود، حقوق بین الملل خصوصی به مفهوم امروزی آن نیز کمتر مطرح و مورد توجه قرار می گرفت. انگیزه اجتماعی و فطری بشر در کنار مسائلی نظیر جنگ و تجارت، ارضا نیازمندیهای روزمره و میل به تجدید عادات و رسوم، بتدریج بر دامنه مبادلات بین دولتها افزوده، به گونه ایکه امروزه برای هیچ ملتی میسر نیست که در چهارچوب سرزمین خود محصور بماند و بدون ارتباط با سایر کشورها بتواند به حیات خود ادامه دهد. گسترش روابط بین دولتها موجب توسعه روابط، اتباع این کشورها در امور تولیدی، صنعتی، مالی و غیره با یکدیگر شده و رونق صادرات و واردات کالا را بدنبال داشته است. تنوع روابط اتباع کشورهای گوناگون با یکدیگر، لزوم بهره مندی آنان از حداقل حقوق را ضروری می نماید و این مسأله را مطرح می سازد که با این اشخاص چگونه باید برخورد کرد؟ و چه حقوقی باید برای آنان در نظر گرفت؟ آیا این اشخاص از تمام حقوق و مزایای اتباع داخلی بهره مند هستند؟ یا اینکه بلحاظ تفاوت اساسی آنها با اتباع داخلی باید حداقل حقوقی را که لازمه زندگی انسانی است برای آنان در نظر گرفت؟

قوانین کشورهای جهان در این زمینه هر یک روش خاصی را پیش بینی کرده اند که منبعث از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن کشورهاست، سازمانهای بین المللی نیز به لحاظ ضرورت ایجاد وحدت و تأمین حداقل حقوق بیگانگان به شیوه های گوناگون در این مسئله مهم دخالت کرده اند. اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه اسلامی حقوق بشر و تشکیل کنوانسیونهای متعدد از آن جمله اند.

نکته مسلم این است که در دنیای کنونی گرایش کلی به سوی کاهش هرچه بیشتر تفاوتهای موجود بین اتباع و بیگانگان از حیث برخورداری از حقوق می باشد. قانونگذاران ایران نیز به این موضوع توجه داشته و به ابعاد گوناگون حقوق بیگانگان پرداخته اند، خصوصاً در دوران انقلاب اسلامی، مسائل و مشکلات ناشی از جنگ و تحولات سیاسی منطقه، از قبیل مهاجرتها و پناهندگی دسته جمعی اتباع بیگانه به کشور، این ضرورت را بیشتر و جدی تر مطرح نموده، بگونه ای که در پاره ای از موارد، دولت جمهوری اسلامی بدون توجه به مقررات داخلی خود و بدون انتظار رفتار متقابل در برخورد با بیگانگان، تنها به وظایف انسانی و اسلامی خود در مقابل آنان توجه داشته است.

در این تحقیق، حقوقی را که بیگانگان طبق مقررات و قوانین ایران از آن برخوردار می گردند مورد بررسی قرار داده و به اقتضای مورد به بررسی تطبیقی آن با حقوق موضوعه دیگر کشورها خواهیم پرداخت. قابل ذکر است آنچه که تحت عنوان وضع اتباع بیگانه مورد بحث واقع می شود، موضوعات مختلفی نظیر حقوق خصوصی، حقوق عمومی و حقوق سیاسی بیگانگان می باشد که از این گستره وسیع تنها حقوق عمومی بیگانگان مدنظر است.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

حقوق عمومی

حقوق عمومی عبارتست از مجموع حقوقی که تمتع از آنها بستگی به سازمانهای قانونی حقوق عمومی دارد و به منظور احترام به شخصیت انسانی برقرار شده است.

در مورد این حقوق، اصل این است که بیگانگان نیز مانند اتباع داخلی از آنها بهره مند می شوند مگر در موارد استثنائی، بیگانگان از نظر حقوق عمومی وضعیتی دارند که اتباع داخلی از آن برخوردارند. حقوق بین الملل عمومی مقرر می دارد که هر کشور باید احترام شخص بیگانه را رعایت کند.

حقوق سیاسی

حقوق سیاسی عبارتست از حقوقی که در حقوق عمومی فقط به اشخاص تشکیل دهنده دولت اختصاص یافته است و بهره مندی از آنها منوط به داشتن تابعیت کشور است.

حقوق سیاسی، ویژه اتباع داخلی است و بیگانه از آن محروم است. بیگانگان، عضو جامعه ای که کشوری را تشکیل می دهند نیستند. گذشته از این، دورانیشی و احتیاط قانونگذار به منظور جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور سیاسی و پیشگیری از زیانهای مربوطه و لزوم حفظ احترام دولت متبوع آنان موجب محرومیت بیگانگان از حقوق سیاسی است. ((بطور کلی می توان گفت: بیگانه نفع کافی ندارد که در مسایل عمومی کشور محل سکونت خود شرکت کند، این اصل عموماً در حقوق تطبیقی پذیرفته شده است و حتی برخی از مولفان آن را از اصول حقوق بین الملل عمومی به شمار آورده اند)).

مقتضیات حقوق بین الملل و عقاید علماء حقوق

اصولاً هیچ دولتی را نمی توان به پذیرفتن بیگانه ای مجبور کرد، ولی همینکه بیگانه را به خاک خود پذیرفت، بایستی حداقل حقوق را برای او قایل شود.

بنابر عقیده اکثر علمای حقوق، اصول حقوق بین الملل اقتضاء دارد که دولتها حداقل حقوق را برای بیگانگان بشناسند. میزان این حقوق با توجه به طرز تفکر دولتها متغیر است.

الف) طرز تفکرهای راجع به حقوق بیگانگان

دولتها در مورد حداقل بیگانگان بطور کلی از دو طرز تفکر پیروی می نمایند:

طرز تفکر فلسفی و اخلاقی و طرز تفکر سیاسی.

ب) اصول پیشنهادی وردروس:

وردروس که از بزرگان علم حقوق بین الملل می باشد، سعی کرده است که حداقل حقوق بیگانگان را در چند اصل، مشخص و معین نماید.

این حقوقدان، پنج اصل را در این مورد پیشنهاد کرده است:

اصل اول: دولت ها باید به اتباع بیگانه، حقوق خصوصی را که برای زندگی هر فردی لازم و ضروری است، اعطاء نمایند.

اصل دوم: دولتها باید حقوق مکسبه ای را که بیگانگان بر طبق قوانین موضوعه کشور خود یا کشور دیگر تحصیل کرده اند، محترم بشمارند.

اصل سوم: دولتها ملزم به شناسایی حقوقی هستند که لازمه احترام به شخصیت افراد است از جمله آزادی شخصی، احترام، مسکن و آزادی رفت و آمد.

اصل چهارم: بیگانگان باید حق مراجعه به محاکم کشوری را که به آنجا سکونت دارند داشته باشند.

اصل پنجم: حمایت و حراست بیگانگان از اعمالیکه موجب زیان مالی و جانی برای آنها

می شود، بعهدہ دولتی است کہ در خاک آن سکونت دارند.

از بین اصول پنجگانه، اصول دوم، سوم، چهارم و پنجم بیشترین ارتباط را با موضوع تحقیق حاضر دارند. اصل اول کہ در ارتباط با اعطای حقوق خصوصی به بیگانه است از حیثه بحث خارج است.

رفتار متقابل

علاوه بر مقرراتی کہ در قوانین یک کشور در ارتباط با وضعیت حقوقی بیگانگان پیش بینی می شودو به موجب آن حقوق و تکالیفی برای آنها معین می شود، در پاره ای از موارد، استفاده بیگانگان از حقوق خاصی را منوط به بهره مندی اتباع کشور در کشور متبوع بیگانه از همان حقوق می کند کہ این عمل رفتار متقابل نامیده می شود.

شرط دول کامله الوداد

در عهد نامه های دو یا چند جانبه معمولاً دولتها برای کسب حقوق بیشتر برای اتباع خود از آنچه کہ برای اتباع سایر کشورها بیگانه در کشور طرف متعاہد عهدنامه، مقرر است علی الخصوص در مورد تجارت در عهد نامه های دوستی، تجاری یا تعرفه های گمرکی شرطی پیش بینی می کنند کہ به موجب آن مقرر می شود، چنانچه دو دولت امضاء کننده (طرفین عهد نامه) در عهد نامه های خود با سایر کشورها برای اتباع آن دولتها حقوقی بیش از حقوق سایر بیگانگان در سرزمین خود شناخته باشند، آن حقوق به اتباع طرف مقابل (عهد نامه فیما بین) نیز تعلق گیرد، این شرط را شرط دوم کامله الوداد می نامند. شرط دوم کلمه الوداد امکان دارد با شرط رفتار متقابل همراه باشد، کہ در این صورت به آن شرط دوم کامله الوداد مشروط اطلاق می گردد.

قوانین داخلی

سومین منبع حقوق بیگانگان در هر کشور قوانین داخلی آن کشور است. مهمترین قوانینی کہ در کشور ما در مورد حقوق بیگانگان به چشم می خورد عبارتند از:

الف) قوانین غیر مدون: با ملاحظه اصل ۴ قانون اساسی منابع فقهی یکی از منابع حقوق ایران به شمار می آید. در فقه امامیه، احکام از چهار منبع قرآن، سنت، اجماع و عقل استنباط می گردد، این منابع در بررسی حقوق عمومی بیگانه پایه و اساس تعیین حقوق آنان محسوب می شود.

ب) قوانین مدون:

۱) قانون اساسی

۲) قانون مدنی

۳) قانون آیین دادرسی مدنی

۴) قانون راجع به اطباء خارجی مصوب شهریور ۱۳۱۲ و قانون مربوط به مقررات امور پزشکی، دارایی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۳۴/۳/۲۹.

۵) قانون تشویق صادرات و تولید مصوب سال ۱۳۳۳

۶) مجموعه لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب

۷) قانون تأسیس بورس اوراق بهادار

۸) قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی مصوب ۵۴/۴/۳ و آئین نامه اجرایی آن ۱۳۵۵/۸/۱۰.

۹) قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۵۱ و اصلاحی سال ۱۳۵۴.

- ۱۰) قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب ۱۳۵۰.
- ۱۱) قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی مصوب ۱۳۳۴ و آیین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۳۵.
- ۱۲) قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۴/۱.
- ۱۳) قانون ثبت شرکتها
- ۱۴) قانون تجارت
- ۱۵) قانون راجع به ورود و اقامت بیگانه در ایران و آیین نامه های اجرایی آن
- ۱۶) آیین نامه اجرایی صدور سند مسافرت پناهندگان سیاسی
- ۱۷) تصویب نامه راجع به دارندگان سند مسافرت
- ۱۸) آیین نامه پذیرش و ارزشیابی مدارک آوارگان افغانی
- ۱۹) آیین نامه ارزشیابی مدارک و پذیرش معاونین عراقی داوطلب تحصیل در دانشگاههای ایران
- ۲۰) قانون اجرای احکام مدنی
- ۲۱) قانون کار و آئین نامه اجرایی آن
- ۲۲) آیین نامه اشتغال اتباع بیگانه
- ۲۳) قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم
- ۲۴) آیین نامه پناهندگان
- ۲۵) ماده واحده الحاق ایران به کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان و پروتکل آن.

حمایت از جان و مسکن

براساس اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (حیثیت و جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز می کند) به نظر می رسد قانونگذار ایرانی با استعمال لغت (اشخاص)، در اصل مذکور تفاوتی بین اتباع داخلی و خارجی قائل نشده و هر دو را از حقوق مساوی برخوردار کرده است. شبیه این حکم را کم و بیش در قوانین اغلب کشورها می توان یافت؛ بعبارت دیگر امروزه در کلیه کشورهای جهان حمایت از جان افراد بیگانه بصورت مقررات قانونی در آمده و علاوه بر این در اغلب قرار دادهای سیاسی از جمله قرار دادهای منعقد بین دولت ایران و سایر دول، حمایت از جان و مسکن صراحتاً ذکر شده است؛ که به عنوان مثال می توان به قرارداد اقامت ایران و بلژیک که در مورخ ۱۳۰۸/۲/۹ منعقد شده است اشاره کرد.

ورود، اقامت، خروج بیگانگان

الف) ورود بیگانه: در قانون ورود و اقامت اتباع خارجه مصوبه ۱۳۰۸/۲/۱۹ و اصلاحات بعدی آن شرایط ورود اتباع بیگانه به ایران معین شده است. به موجب آن، ورود بیگانه به ایران مستلزم کسب اجازه می باشد که توأم با این تقاضا باید مدارک لازم به مأموران صلاحیت دار ایران تسلیم نماید؛ در صورت موافقت مأموران مذکور، بیگانه می تواند وارد کشور شود (ماده یک قانون).

بنابر ضرورتهای عصر کنونی و افزایش ارتباطات بین المللی، عموماً دولتها به منظور حفظ و گسترش رفت و آمدهای بین المللی در کشورهای دیگر مأمورینی می گمارند که با کسب آگاهیهای لازم به نمایندگی از سوی دولت متبوع خویش، اجازه ورود به قلمرو کشور را به درخواست کنندگان آن صادر می نمایند. علاوه بر مأموران مذکور در مبادی ورودی

کشور نیز مأموران مجاز، از طرف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، می توانند برای بیگانگانی که قصد عبور از ایران را دارند روادید عبور صادر کنند؛ همچنانکه در داخل کشور نیز مأموران واجد صلاحیت می توانند برای خارجیان مقیم ایران که قصد خروج از ایران را دارند روادید بازگشت به ایران صادر کنند.

اجزاء ورود به ایران که روادید یا ویزا نامیده می شود بر روی گذرنامه یا اوراق و شهادتنامه های هویت ثبت می گردد. گذرنامه سندی است که در آن دو دولت در مورد جمع بودن شرایط لازم برای مسافرت تبعه توافق بعمل می آورند. این سند نشان دهنده هویت و تابعیت دارنده آن است که از سوی دولت متبوع وی، تصدیق می شود. دارنده گذرنامه به تمام کشورهایی که سفر او به آنها از طرف دولت متبوع بیگانه صراحتاً منع نشده، می تواند مسافرت کند. چنانچه بیگانه ای بدون اخذ ویزا (روادید) از مبادی ورودی بطور غیر مجاز وارد کشور شود، مرتکب جرم شده و مستوجب مجازات خواهد بود؛ آپاتریدها و پناهندگان از این قاعده کلی استثناء شده اند.

علت این امر نیز آن است که در غالب موارد، متقاضیان پناهندگی عملاً امکان و فرصت تحصیل گذرنامه معتبر و اخذ روادید ورود به خاک ایران را ندارند. استثناء دیگری نیز بر قاعده مذکور وجود دارد، به این ترتیب که گاهی اوقات امکان دارد بموجب موافقت نامه دویا چند جانبه اتباع برخی از دولتها از اخذ ویزا برای ورود به خاک ایران معاف شوند.

ب) عبور بیگانه از ایران: بیگانه در برخی از موارد قصد توقف در ایران را ندارد، بلکه از طریق ایران عازم کشورهای دیگری است در این موارد اجازه عبور وی از طرف مأموران واجد صلاحیت ایران در خارج یا مأموران مربوطه در نقاط مرزی صادر می شود. در این نوع روادید، ممکن است خط سیر و مدت لازم برای عبور از ایران در اجازه نامه قید شود (م. ۷ قانون) مدت این روادید حداکثر ۱۵ روز بوده و به بیگانه اجازه توقف در نقاط بین راه را می دهد و قابل تمدید است به موجب ماده ۲ آیین نامه اجرای قانون ورود و اقامت بیگانه صدور روادید عبور برای اشخاص زیر موقوف به اجازه وزارت امور خارجه است:

۱- افراد بدون تابعیت یا دارندگان برگ های خارجی.

۲- اتباع دولتی که از طرف وزارت امور خارجه تعیین می شوند.

ج) اقامت بیگانگان در ایران: به موجب قسمت اخیر ماده ۲ قانون، هر بیگانه ای که اجازه ورود به ایران را دارد علاوه بر حق ورود حق دارد نود (۹۰) روز در ایران اقامت نماید؛ لذا نوع اقامت بیگانگان با توجه به مدت آن به دو نوع اقامت دائم و موقت تقسیم می شود و اقامت بیگانه زمانی دائمی خواهد بود که در ایران اقامتگاه قانونی اختیار کرده باشد (ماده ۴ قانون).

د) خروج بیگانه از کشور: خروج بیگانگان همانند ورود آنان به کشور منوط به کسب اجازه است. اگر بیگانه در مهلت قانونی خاک کشور را ترک گوید صرف تکمیل و تسلیم اعلامیه خروج به مأموران گمرک مرزی کفایت خواهد کرد، در غیر این صورت اخذ روادید خروج الزامی خواهد بود و این حالت وقتی است که بیگانه بطور اختیاری از کشور خارج شود. در مواردی که اجازه عبور یا توقف بیگانه در ایران لغو یا مدت توقف و اجازه عبور وی سپری گردد یا از اجرای تکالیف تعیین شده در قانون مثل مراجعه و تمدید پروانه خود داری ورزد یا مرتکب اعمال خلاف قانون شود، باید از ایران خارج شود. در چنین صورتی اگر به اختیار، کشور را ترک نکند نیروی انتظامی وی را اخراج خواهد کرد. اگر تصمیم اخراج بیگانه به علت خود داری از صدور یا تمدید یا تجدید پروانه او باشد، قابل وخواهی است؛ مشروط براینکه تأخیر در اجرای اخراج با مصالح کشور منافات نداشته باشد.

اشتغال به تجارت خارجی

به موجب ماده ۸ قانون تشویق صادرات و تولید مصوب سال ۱۳۳۳، به بازرگانان خارجی مقیم ایران به شرط رعایت معامله متقابل نسبت به بازرگانان ایرانی مقیم هر یک از کشورهای خارجه، کارت بازرگانی داده خواهد شد. همانطوریکه ملاحظه می شود ماده مذکور، شرط اجازه تجارت خارجی برای بیگانگان و صدور کارت بازرگانی برای آنها را منوط به رفتار متقابل دولت متبوع بیگانه در مورد اتباع ایرانی مقیم آن کشور کرده بود و به نظر می رسد که منظور از رعایت معامله متقابل مذکور در این ماده، رفتار متقابل عملی است؛ یعنی هر گاه در کشور متبوع بیگانه، به اتباع ایرانی اجازه تجارت خارجی داده می شد، بیگانه نیز در ایران از این حق بهره مند بود. معیناً ماده ۸ فوق الذکر در تاریخ ۵۸/۹/۲۱ توسط شورای انقلاب اسلامی ایران اصلاح شد و شرایط جدیدی برای تجارت خارجی بیگانگان در نظر گرفته شد. به موجب این اصلاحیه به بازرگانان خارجی مقیم ایران به شرط رعایت رفتار متقابل نسبت به بازرگانان ایرانی مقیم هریک از کشورهای خارجی، پس از رسیدگی به صلاحیت آنان و تشخیص ضرورت فعالیت و حضور این افراد در ایران و تأیید سفارتخانه متبوعه با ارائه پروانه اقامت و پروانه کار معتبر کارت بازرگانی داده خواهد شد.

از ماده اصلاحی فوق الذکر این نتیجه بدست می آید که به بیگانگان در صورت احراز شرایط زیر کارت بازرگانی صادر و اجازه تجارت خارجی داده خواهد شد.

۱) رفتار متقابل نسبت به بازرگانان ایرانی مقیم کشور متبوع بیگانه متقاضی انجام تجارت خارجی.

۲) دارا بودن صلاحیت فعالیت در بخش تجارت خارجی.

۳) ضرورت داشتن فعالیت و وجود این افراد در ایران.

۴) تأییدیه سفارتخانه متبوعه.

۵) دارا بودن پروانه کار معتبر از وزارت کار و امور اجتماعی.

بدین ترتیب ملاحظه می گردد که شرایط اشتغال به تجارت خارجی برای بیگانگان بسیار سخت شده و دارای ضوابط و معیارهای دقیقتری گردیده است. بر خلاف زمان قبل از سال ۱۳۵۸، که در صدور کارت بازرگانی برای بیگانگان تنها شرط نخست از شرایط ششگانه فوق الذکر مد نظر قرار می گرفت.

کارگزاری بورس

کارگزاران بورس، اشخاصی هستند که به شغل داد و ستد اوراق بهادار مانند سهام شرکتها مشغول هستند و منحصراً این اشخاص هستند که می توانند معاملات را در بورس انجام دهند (بند ۳ ماده ۱ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵/۲/۲۷). کارگزاران بورس به دو دسته تقسیم می شوند:

دسته اول، اشخاص حقیقی هستند، که طبق مقررات قانون فوق الذکر به کارگزاری بورس پذیرفته می شوند. دسته دوم؛ مؤسسات مالی و اعتباری ایرانی هستند که صلاحیت آنها مورد تأیید بانک مرکزی ایران قرار گرفته است، چون شخص حقوقی نمی تواند وظایف کارگزار را انجام دهد لذا این اشخاص بوسیله نمایندگان خود عمل می کنند.

قانون تأسیس بورس اوراق بهادار در ماده ۱۲ خود شرایطی را برای کارگزاران دسته اول و نیز نمایندگان کارگزاران دسته دوم در نظر گرفته است که عبارتند از:

۱- دارا بودن تابعیت ایران.

۲- نداشتن پیشینه محکومیت کیفری مؤثر.

۳- داشتن حسن شهرت.

۴- داشتن لااقل بیست و پنج سال سن.

۵- داشتن لااقل مدت سه سال سابقه کار آموزی نزد یک یا چند کارگزار.

۶- گذراندن امتحان نظری و حرفه ای بر طبق آئین نامه.

۷- اجازه هیئت مدیره بورس.

از بررسی شرایط فوق به این نتیجه می رسیم که بیگانگان از اشتغال به شغل کارگزاری بورس محروم شده اند، چرا که یکی از شرایط لازم برای احراز شغل کارگزاری بورس داشتن تابعیت ایران می باشد و بالطبع بیگانه واجد چنین شرطی نیست.

روش تدوین مطالب

در تهیه این مقاله از دو منبع مهم استفاده شده است:

۱- منابع فقهی و قوانین و مقررات موجود در زمینه حقوق عمومی بیگانگان.

۲- تحقیقات و تألیفات بعمل آمده توسط علما و صاحب نظران علم حقوق.

جمع بندی و نتیجه گیری

از بررسیهای به عمل آمده به این نتایج می رسیم:

اولاً: سبکی که اکثر نویسندگان حقوق بین الملل خصوصی در طرح و مطالعه حقوق بیگانگان در پیش گرفته اند، برای بیان انواع حقوق متصور و برخورداری با محرومیت اجانب از آن رسا نیست. در شیوه مذکور، حقوق بیگانگان تحت عناوین حقوق عمومی و حقوق و خصوصی بررسی می شود، در حالیکه حقوقی که تحت عنوان حقوق عمومی مطالعه می شود، از لحاظ ماهیت و اصول حاکم بر هر یک از آنها، دارای احکام و آثار متفاوتی هستند. در برخی از آنها اصل، برخورداری بیگانه و در پاره ای اصل، عدم برخورداری آنهاست. در نتیجه نمی توان مجموع آنها را ذیل یک عنوان قرار داد.

ثانیاً: از لحاظ برخورداری از حقوق عمومی، اصولاً تفاوتی بین اتباع داخلی و بیگانگان وجود ندارد. بنابراین اصل این است که بیگانگان از حقوق عمومی برخوردارند مگر در مواردی که قوانین استثنا کرده باشد و از این حیث تفاوتی بین اشخاص حقیقی و حقوقی بیگانه وجود ندارد مگر در مورد حقوقی که اختصاص به افراد بشر داشته و اشخاص حقوقی از آنها محرومند. برخورداری بیگانگان از حقوق عمومی پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی دگرگون شده و توسعه یافته است اساس این تحول را باید در اصول قانون اساسی کشور، علی الخصوص اصول چهارم و چهاردهم آن جستجو کرد. به موجب اصل چهار تمامی مقررات کشور باشد موافق موازین اسلام و تنظیم گردد در نتیجه با توجه به دیدگاه اسلام، مفهوم بیگانه از آنچه که در قانون و عرف بین المللی به اشخاص فاقد تابعیت کشور اطلاق می شود، فاصله گرفته و در مفهوم شخصی که خارج از امت اسلامی است، متجلی می گردد همین شیوه تفکر نه تنها موجب گسترش دامنه برخورداری بیگانگان به ویژه پناهندگان از حقوق عمومی گردیده است. بلکه در برخی از موارد آنان را از اولویت خاصی که در شرایط مساوی، اتباع داخلی از آن بی بهره اند برخوردار کرده است. بعلاوه تحولات سیاسی جهان و مطرح شدن

جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام القری امت اسلام، وحدت اسلامی را در جنب وحدت حقوقی (به عنوان مثال می توان به تصویب و انتشار اعلامیه اسلامی حقوق بشر اشاره کرد) مطرح نموده است.

ثالثاً: قبض و بسط میزان برخورداری بیگانگان از حقوق عمومی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بسیار منطقی و با توجه به سوابق تلخ حضور بیگانگان در عرصه های اقتصادی، نظامی و فرهنگی و با رعایت احتیاط کامل صورت گرفته است تفسیر شورای محترم نگهبان از اصل ۸۱ قانون اساسی با موازین حقوقی سازگار نبوده و با اطلاق اصل یادشده موافقت ندارد.

رابعاً: گرایش عمومی کشورهای جهان و توجه سازمانهای بین المللی به سوی از بین بردن ویا به حداقل رساندن تفاوت بین اتباع داخلی و بیگانگان از حیث بهره مندی از حقوق است هدفی که اعلامیه جهانی حقوق بشر و موخر بر آن اعلامیه اسلامی حقوق بشر درصدد تحقق آن هستند. همانطور که در مقاله حاضر به تفصیل بیان شد در پاره ای از موارد نظیر ترافع قضائی و اشتغال به مشاغل مثل طبابت، تجارت خارجی. غیره محدودیتهایی وجود دارد که با تحولات جهانی هماهنگی ندارد، قوانین ایران نیز برای اینکه خود را با تحولات مذکور هماهنگ نماید، باید با بهره گیری از معیارهای منطقی زمینه گسترش روزافزون ارتباطات بین ملل مختلف را فراهم آورد چرا که وجود قوانین غیر قابل انعطاف در مورد حقوق بیگانگان مانعی درراه توسعه و پیشرفت کشور محسوب می گردد. خصوصاً موقعیت جغرافیائی و اهمیت ملی، منطقه ای و جهانی، جمهوری اسلامی ایران و موقعیت ممتاز آن در بین کشورهای اسلامی ضرورت هماهنگی قوانین و مقررات مربوط به وضعیت بیگانگان را با تحولات بوجود آمده بیش از پیش مطرح می سازد.

منابع و مأخذ

۱. آکهرست، مایکل، کلیات نوین حقوق بین الملل، ترجمه مهراب داراب پور، انتشارات جهان معاصر، ۱۳۷۲
۲. ارفع نیاز، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، انتشارات آگاه، چاپ اول، بهار ۱۳۶۹
۳. اعظمی زنگنه، عبدالمجید، حقوق بازرگانی، ۱۳۵۱
۴. الماسی، نجاد علی، تعارض قوانین، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۰
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، تاریخ حقوق ایران، انتشارات کانون معرفت
۶. خلعتبری، ارسلان، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، تهران، چاپخانه روشنائی، ۱۳۱۶
۷. ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد اول و سوم، چاپ اول، نشر دادگستر، ۱۳۷۴
۸. سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، دفتر خدمات حقوق بین المللی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱
۹. صفائی، سید حسین، مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۴
۱۰. ضیایی بیگدلی، محمد رضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، چاپ اول رشدیه، ۱۳۶۳
۱۱. عرفانی، محمود، حقوق تجارت، جلد دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۵
۱۲. عبادی، شیرین، حقوق پناهندگان، چاپ احمدی، چاپ اول، ۱۳۷۳
۱۳. عامری، جواد، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات آگاه، سال ۱۳۶۲
۱۴. کاتبی، حسنقلی، حقوق تجارت، چاپ ششم، چاپخانه احمدی، ۱۳۷۲

۱۵. کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ ۱۳۴۵
۱۶. گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ ۱۳۴۵
۱۷. معظمی، عبدالله، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، بی تا
۱۸. مجله حقوقی دفتر خدمات بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۴، ۶، ۱۱
۱۹. مدنی، سید جلال الدین، آئین دادرسی مدنی، انتشارات گنج دانش، جلد اول چاپ دوم، ۱۳۶۸
۲۰. محقق داماد، سید مصطفی، تحلیل فقهی حقوق خانواده، چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵
۲۱. نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، خلاصه تقریرات، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۰
۲۲. نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۷، بهمن، ۱۳۷۰

Foreigners' General Law in the Laws of the Islamic Republic of Iran

Zahra Safavinejad¹

Date of Receipt: 2019/07/03 Date of Issue: 2019/10/07

Abstract

In the present article, which deals with the general law of aliens in Iranian law, we first deal with the concept of legal status and its rules of conflict resolution in general, and then the types of aliens' rights and the historical developments of the legal status of aliens and factors affecting the emergence of the aforementioned rights and liens. We expand on the history and sources of aliens' rights through the course of history and the views of law scholars as well as the purification of aliens from domestic nationals, and in the second part the public rights status of aliens in two respects one in terms of their right to personality. Human beings and others because of their affiliation with public-law organizations; employment Exemptions from work permit education, protection of life and property, entry and exit, freedom of religion and public education have been investigated. Then foreign practitioners and foreign trade employment and stock brokerage and finally Iranian stock ownership and foreign restrictions. In identifying banks 'stocks, the second is examined by considering the principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, the Universal Declaration of Human Rights, the Islamic Declaration of Human Rights and the laws of the subject matter of the importance of aliens' natural rights.

Keyword

Citizenship, Alienation, Freedom of Religion, Foreigners Employment, Exchange Brokerage

1. Master of Law, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.